

## **The Time and Origin of the Emergence of Shiism: Review and Criticism of Ghaffari's Claims**

**Ghasem Jalai\***

**Mohammad Hasan Nadem\*\***

(Received: 08/05/2021; Accepted: 08/09/2021)

### **Abstract**

The book "The Fundamentals of the Twelver Imami Shiism: A Review and Critique" by Naser Ghaffari has criticized the fundamentals of Shiite belief, including the spatial and temporal origin of the emergence of Shiism. The present study, with the aim of investigating Ghaffari's claim regarding the introduction of Kufa as the origin of Shiism after the assassination of Othman, first draws strategic rules in argumentation and then tries to provide a reasoned criticism of his opinions based on the search for the self-contradiction of the proposition, criticize the foundations and check the adequacy of the reason. The result shows the claim that Shiism arose in Kufa due to the lack of Sunni scholars in that city is in contradiction with another statement by Ghaffari mentioning the names of influential people in that region as Sunni scholars. Similarly, adducing Kufa's distance from Medina and also the non-acceptance of Shiism in other places without proving the absence of signs of Shiism in other cities before or at the same time as Kufa is flawed in its foundations due to the lack of reason and also the presupposition of Shiism as a movement separate from Islam.

**Keywords:** Shia, Genesis, Kufa, Naser al-Ghaffari, Principles of the Shiism.

---

\* PhD Student in Twelver Shiism History, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), ghasemjalaie@gmail.com.

\*\* Associate Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, nadem@urd.ac.ir.

## زمان و خاستگاه پیدایش تشیع: بررسی و نقد مدعای قفاری

قاسم جلائی \*

محمدحسن نادم\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷]

### چکیده

کتاب *اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه: عرض و نقد اثر ناصر القفاری* بنیان‌های اعتقادی شیعه، از جمله منشأ مکانی و زمانی پیدایش تشیع، را نقد کرده است. پژوهش حاضر، با هدف بررسی مدعای قفاری در باب معرفی کوفه به عنوان خاستگاه پیدایش تشیع، آن هم پس از ماجرای قتل عثمان، ابتدا قواعد راهبردی در مقام استدلال‌آوری را ترسیم کرده و در پی نقد مستدل آرای وی بر اساس جست‌وجو از خودستیزی گزاره، نقد مبانی و بررسی کفایت دلیل است. نتیجه اینکه، برآمدن تشیع در کوفه، آن هم به دلیل فقدان علمای عامه در آن شهر با سخن دیگر قفاری، یعنی ذکر نام افراد تأثیرگذار در آن جغرافیا به عنوان علمای اهل سنت، به خودستیزی دچار است. چنان‌که استدلال به بُعد مسافت کوفه از مدینه و نیز استناد به پذیرفته‌نشدن تشیع در نقاط دیگر بدون اثبات فقدان نشانه‌های تشیع در شهرهای دیگر، قبل یا هم‌زمان با کوفه، به کفایت‌نداشتن دلیل و وجود پیش‌فرض تشیع به عنوان جریانی جدا از اسلام به اشکال در مبانی هم دچار است.

**کلیدواژه‌ها:** شیعه، پیدایش، کوفه، ناصر القفاری، *اصول مذهب الشیعه*.

\* دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

ghasemjalaie@gmail.com

\*\* دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران nadem@urd.ac.ir

## مقدمه

گسترش شیعه‌پژوهی در دهه‌های اخیر، سبب شکل‌گیری مباحث علمی فراوانی در میان محققان و جریان‌های مخالف شیعه شده، که از مهم‌ترین آنها بحث از خاستگاه تشیع است. اگرچه این موضوع از دیرباز در منابع فرق، تاریخ و کلام نیز محل توجه بوده، اما در چند دهه اخیر، به‌ویژه در برخی کشورهای اسلامی، آثاری در این باره با رویکردی به دور از تقریب و اغلب با انگیزه‌های غیرعلمی مطرح شده و می‌شود که نیازمند نقد جدی است. یکی از آثار مفصلی که در سال‌های اخیر در نقد اعتقادات شیعه نگاشته شده، کتاب *اصول مذهب الشیعة الامامیة الاثنی عشریة: عرض و نقد*، نوشته ناصر القفاری، است. در این اثر، اصول و بنیان‌های اعتقادی شیعه، از جمله منشأ پیدایش تشیع، نقد شده است. از این رو، پاسخ‌گویی به شبهات قفاری همواره محل توجه محققان امامی بوده است (عسکری، ۱۳۹۱: ۴۱-۶۷). با آنکه قفاری شکل‌گیری تشیع را به عنوان ایدئولوژی و عقیده، در گذر زمان و به صورت تدریجی دانسته، اما ریشه‌های اعتقادی شیعه را وابسته به عبدالله بن سبأ و ظهور آن را در کوفه و بعد از قتل عثمان می‌داند (قفاری، ۱۴۱۵: ۵/۱-۶ و ۷۸). بررسی و نقد کوفه به عنوان محل پیدایش و ظهور تشیع از مؤلفه‌های مهم در نظریه قفاری در باب خاستگاه تشیع است که جست‌وجوها نشان می‌دهد تاکنون از آن غفلت شده، و در این باره پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، برای پاسخ به این شبهه قفاری که خاستگاه پیدایش تشیع کوفه و زمان آن پس از قتل عثمان بوده، در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول به تعارضات اخباری می‌پردازد که قفاری به آن رجوع کرده، و بخش دوم به تناسب‌نداشتن مدعا و دلیل وی، و بخش سوم هم به نقد مبانی قفاری خواهد پرداخت.

## بیان مسئله

کتاب *اصول مذهب الشیعة الامامیة الاثنی عشریة: عرض و نقد* در پنج باب نگاشته شده است. باب اول این کتاب، اعتقادات شیعه در منابع اسلامی را به خود اختصاص داده است؛ در باب دوم، اعتقاد شیعه در اصول دین بررسی شده و باب سوم آن، درباره عقاید و اصول

منحصر به فرد شیعه است. در باب چهارم، به شیعیان معاصر و پیوندشان با اسلاف و گذشتگان نشان پرداخته شده، و باب پنجم، متعلق به حکم مخالفان علیه شیعه و تأثیر شیعیان در دنیای اسلام است، اما در مقدمه که بخشی از آن بررسی خواهد شد، به تعریف شیعه و شکل‌گیری آن، ریشه‌های تاریخی و فرقه‌ها و متعلقات آن، و نیز لقب «اثنا عشری» اشاره شده است. قفاری، مدعای خویش درباره شکل‌گیری و ریشه‌های تاریخی پیدایش تشیع را بر دو محور سامان داده است. نخست آنکه، ریشه‌های تاریخی تشیع را در حوادث بعد از قتل عثمان و نقش عبدالله بن سبأ جست‌وجو می‌کند. دیگر اینکه، کوفه را به عنوان خاستگاه پیدایش تشیع معرفی می‌کند (همان: ۵/۱ و ۷۸). قفاری مدعایش را بر چهار محور مستدل کرده است:

۱. در جغرافیای اسلام، کوفه تنها سرزمینی بود که تشیع نخستین در آن پذیرفته شد و از آن سامان به دیگر بلاد اسلامی انتشار یافت؛ ۲. دوری و فاصله مناطق با منابع نبوی (مدینه)، و حضور نداشتن علمای اهل سنت در آن مناطق؛ ۳. وجود نومسلمانان و غیرعرب در آن سرزمین و تأثیرپذیری شدید آنان از فتنه و بدعت؛ ۴. اختلاف نداشتن مسلمانان تا قبل از حوادث قتل عثمان، از مؤلفه‌هایی است که قفاری آن را از عوامل پیدایش تشیع در کوفه می‌داند (همان: ۵/۱-۶).

### قواعد راهبردی در مقام استدلال‌آوری

مهم‌ترین قواعد راهبردی در مقام استدلال‌آوری و نقد مستدل آرا را می‌توان در ده مؤلفه بررسی کرد، اما آنچه می‌تواند هدف مد نظر از بحث را از طریق مطالعه نظام‌مند به سرانجام برساند، جست‌وجو از خودستیزی گزاره، نقد مبانی، تحلیل لوازم و بررسی کفایت دلیل است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۲: ۲۱۴). از سویی استفاده از این فرآیند معرفتی رایج در علوم انسانی به نظم ساختاری بحث کمک شایانی می‌کند.

### خودستیزی گزاره‌ها

در مواجهه با هر گزاره‌ای، می‌توان با تحلیل گزاره‌ای از ناسازگاری درونی و خودستیزی آن پرسید. دو گزاره متناقض باید از حیث کلیت و جزئیت، کیفیت (سلب و ایجاب) و جهت (ضرورت، دوام، فعلیت و امکان) دقیقاً رفع‌کننده یکدیگر باشند (همان: ۲۱۱).

فقدان حضور اهل علم و ایمان، و وجود نومسلمانان و غیرعرب در کوفه و تأثیرپذیری‌شان از بدعت‌ها از جمله مؤلفه‌های مدعای غفاری است که در مقام بررسی موجه‌بودنش، ناسازگاری درونی و خودستیزی‌اش نیز باید بررسی شود. از حیث کلیت، وی نبود علمای اهل سنت در کوفه را عامل پدیدارشدن بدعت می‌داند، اما در جایی دیگر از کتابش، سعد بن ابی‌وقاص و مغیره بن شعبه را از بزرگان صحابه ذکر می‌کند که در کوفه حضور فعال داشته‌اند (قفاری، ۱۴۱۵: ۶/۱ و ۲۵۲).

از سوی دیگر، استقبال فقهای کوفه از حضرت علی (ع) هنگام ورود به آن سامان، از حضور جمع کثیری از علما در این شهر حکایت دارد (لوکیع، ۱۳۶۶: ۱۹۸/۲). نیز در جنگ صفین تعداد اصحاب پیامبر که همراه آن حضرت در این نبرد شرکت کرده بودند، حدود ۲۰۰۰ نفر ذکر شده است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۵۲/۲). این آمار نشان می‌دهد صحابه پیامبر (ص) نقش و حضور فعالی در کوفه داشته‌اند و به راحتی در دسترس مردم بوده‌اند.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، منع خروج صحابه از مدینه به دستور خلیفه دوم است (ابن کثیر، ۱۳۹۸: ۱۰۷/۸) که بر فهم مردم دور از مدینه، در پذیرش مذاهب اهل سنت یا شیعه، به یکسان تأثیر داشته است. لذا دوری از علما و میزان اثر آن از هر دو سو رصدش‌دنی است.

از حیث کیفیت، وی ظهور تشیع را در بستر تأثیرپذیری تازه‌مسلمانان و غیرعرب ترسیم می‌کند و در دیگر سو شخص نومسلمانی را هدایتگر آنان می‌داند (قفاری، ۱۴۱۵: ۶/۱ و ۷۸). اشکال مهم این است که عبدالله بن سبأ نومسلمان (طبری، ۱۳۷۵: ۳۴۰/۴) بر تازه‌مسلمانان، حتی بر صحابی، تأثیر می‌گذارد، ولی قفاری نومسلمانان را تأثیرپذیر و صحابه را تأثیرگذار می‌داند.

افراد بزرگی از صحابه به عنوان پیروان ابن سبأ نام برده شده‌اند، از جمله ابوذر غفاری. وی در واکنش به پاسخ کعب الاحبار به پرسش عثمان، خلیفه سوم، می‌گوید: «ای یهودی‌زاده! آیا دینمان را به ما می‌آموزی؟» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۶۶/۶). چگونه است صحابی با چنین موضع‌گیری‌ای تحت تأثیر شخص نومسلمانی قرار می‌گیرد؟ از حیث جهت، قفاری معتقد است ابن سبأ جانشینان بسیار داشت (قفاری، ۱۴۱۵: ۸۰/۱). پس باید اثری از جانشینانش در طول تاریخ وجود داشته باشد. این رد اثر باید در سلسله حدیث و سرشاخه‌های فرقه‌ها و استناد گفتار و کردار پیروانش به شیوه فکری وی ظهور و بروز داشته باشد، آنچنان که ابن حجر عسقلانی می‌نویسد: «از او هیچ روایتی نقل نشده است» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۲۹۰/۳). این نشان می‌دهد که وی شاگردی نداشته که عقاید او را نشر دهد.

### بررسی کفایت ادله

توجیه یا اثبات مدعا باید با ادله کافی بیان شود. در جایگاه بیان دلیل، ذکر چیزی که دلیل نیست یا اعم یا اخص از مدعا است توجیه را به شکل «دلیل موهوم را دلیل واقعی پنداشتن» درمی‌آورد. مهم‌ترین قواعد راهبردی در مقام بررسی کفایت دلیل را باید در مواضعی که دلیل موهوم دلیل واقعی پنداشته می‌شود، از جمله اعم یا اخص بودن دلیل و عینیت‌نداشتن حد اصغر در صغرا و نتیجه جست‌وجو کرد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۲: ۲۱۴-۲۲۳). لذا در این بخش می‌کوشیم مدعای قفاری را در سایه کفایت ادله بکاویم.

### اعم یا اخص بودن دلیل

مغالطه انواعی دارد. یکی از مغالطات مربوط به مقام استدلال، مغالطه دلیل نامربوط است. این بسیار طبیعی است که در یک استدلال، میان ادله و مدعا، یا میان مقدمات و نتیجه رابطه‌ای منطقی برقرار باشد. حال اگر این‌گونه نباشد، سه حالت متصور است: دلیل اخص از مدعا است، یعنی نمی‌تواند مدعای مد نظر را کاملاً اثبات کند؛ دلیل اعم از مدعا است، یعنی آنچه از دلیل فهمیده می‌شود، مطلبی عام و کلی است، نه حالت خاص ادعاشده؛ و

زمان و خاستگاه پیدایش تشیع: بررسی و نقد مدعای قفاری / ۲۳۵

دلیل نسبت به مدعا بیگانه است. زمانی که شخص مستدل در اثبات مدعایش دست به دامن چنین دلیل‌هایی شود، گفته می‌شود مستدل دچار مغالطه دلیل نامربوط شده است (خندان، ۱۳۸۲: ۲۶۳-۲۶۴).

یکی از اشکالات جدی بر تفکر قفاری این است که: اگر پیدایش تشیع حاصل اختلاف با دیگر مسلمانان است، چرا در ماجرای سقیفه و در مدینه ظهور و بروز پیدا نکرد و دامنه ظهورش تا بعد از قتل عثمان کشیده شد؟ قفاری ظاهراً به خوبی از این اشکال آگاه است و در پی پاسخ برمی‌آید؛ اما به نظر دلیل نامربوطی را مطرح می‌کند. قفاری پیدایش تشیع را بدعتی در کوفه می‌داند و از دلیل‌هایی که مدعایش را بر آن استوار می‌کند دوری جغرافیایی از مدینه است، که آن را اصلی‌ترین دلیل پیدایش بدعت تشیع می‌داند (قفاری، ۱۴۱۵: ۶/۱).

نخست، استدلال باید با مدعا متناسب باشد. علل پیدایش بدعت‌ها در دین را که دامنه‌ای وسیع دارد و شامل ویژگی ساختار متون دینی، اختلاف سلیقه‌ها و افکار مسلمانان، تعصبات قومی و قبیله‌ای و روابط اجتماعی و فرهنگی با غیرمسلمانان است (ابوزهره، ۱۳۸۴: ۲۲-۳۱) نمی‌توان با دلیل دوری جغرافیایی از مدینه اثبات کرد. زیرا دلیل، اخص از مدعا است و صرفاً تسهیل در ظهور جریان را توجیه می‌کند. از سوی دیگر، بسیاری از اندیشمندان فرقه‌شناسی پیدایش مذاهب اسلامی را در سلسله عوامل مختلفی جست‌وجو می‌کنند، چنان‌که برخی پیدایش شیعه، خوارج و مرجئه را سیاسی می‌دانند (همان: ۵۸) و برخی علاوه بر عوامل ذکرشده شورش قبیلگی را به بهانه مذهبی از دلایل ظهور خوارج دانسته‌اند (جعفری، ۱۳۷۱: ۱۱). در نتیجه، مدعای قفاری در باب پیدایش تشیع، به دلیل کثیرالاضلاع بودن پیدایش مذاهب نمی‌تواند با حصرگرایی ادله به دوری جغرافیایی از مدینه قابلیت اثبات داشته باشد.

### شکل‌گیری مذاهب اهل سنت در خارج از مدینه

وجه دیگری که استدلال «دوری از مدینه: عامل پیدایش تشیع در کوفه» را محل تردید جدی قرار می‌دهد، مکان‌یابی ظهور و بروز مذاهب اربعه اهل سنت است. لذا صحبت از

بروز و ظهور مذاهب اهل سنت در مکانی به غیر از مدینه معضلی جدی پیش روی استدلال قفاری در باب پیدایی بدعت است. مذاهب چهارگانه اهل سنت اشاره به چهار مذهب فقهی حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی است که هر کدام از مسلمانان سنی در مسائل فقهی پیرو یکی از این مذاهب‌اند. مذهب حنفی پیروان ابوحنیفه، مالکی پیروان مالک بن انس، شافعی پیروان محمد بن ادریس شافعی و حنبلی پیروان احمد بن حنبل‌اند.

خاستگاه مذهب حنفی را باید کوفه دانست. زیرا بیشتر شاگردانش اهل کوفه‌اند (الکردری، بی تا: ۴۹۸/۱-۵۰۴) و در منابع به انتشار مذهب حنفی از کوفه به بصره و بغداد به اهتمام شاگردان وی و خود ابوحنیفه اشاره شده است (صمیری الحنفی، ۱۴۰۵: ۱۱۰/۱). ظهور مذهب شافعی را نیز باید در قلمرو جغرافیایی بغداد دانست. زیرا شافعی در بغداد شاگردان برجسته‌ای تربیت کرد، که مبانی فکری او را ترویج می‌کردند (حجوی ثعالبی، ۱۳۴۵: ۴۰۱/۱؛ سلیمان عبدالله الأثشر، ۱۴۱۶: ۱۳۷). از سویی حضور و فعالیت‌های شافعی در مصر شکل جدیدی از مذهب شافعی را در آن سامان پدیدار کرد (بیهقی، ۱۳۹۱: ۲۳۸/۱). پیدایی مذهب حنابله را باید همانند شافعی در بغداد دانست (ابن جوزی، ۱۳۴۹: ۱۸). مجالس درس وی در بغداد بستری مناسب برای ظهور و انتشار مذهب حنابله فراهم کرد (ابوزهره، ۱۴۱۸: ۳۲-۳۳). آنچه گذشت به‌خوبی نشان می‌دهد برخی از مذاهب اهل سنت در مکانی غیر از مدینه ظهور و نمود پیدا کرده‌اند، لذا همان استدلالی که قفاری پای آن را برای پیدایش تشیع به میان می‌کشد، درباره مذاهب اهل سنت نیز صدق می‌کند. از سوی دیگر، اگر بپذیریم که مکان‌های جغرافیایی بروز مذاهب اهل سنت صرفاً محل انتشار سنت نبوی بودند، باید این را نیز برای تشیع در نظر گرفت.

### عینیت‌نداشتن حد اصغر در صغرا و نتیجه

استدلال وقتی کفایت می‌کند که حد اصغر در صغرا و نتیجه به یک معنا باشند. در غیر این صورت، استدلال دلیل موهوم را دلیل واقعی پنداشتن است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۲: ۲۱۵). از روایاتی که قفاری برای توجیه و اثبات مدعایش به آن استناد کرده روایتی است که



زمان و خاستگاه پیدایش تشیع: بررسی و نقد مدعای قفاری / ۲۳۷

سرزمین کوفه را تنها جغرافیای پذیرش تشیع معرفی می‌کند. در مقام بررسی ادله قفاری، از حیث کفایت دلیل، لازم است حد اصغر روایت استنادی وی را با صغرای روایت (قضیه اول) و نتیجه‌ای (قضیه نتیجه) که وی از آن روایت می‌گیرد، از جهت معنا، مقایسه کنیم. یکی از اشکالات جدی بر تفکر قفاری این است که: اگر کوفه محل پیدایش تشیع است چرا هیچ کدام از کتب معتبر شیعی امر به این مهمی را به وضوح و شفافیت بیان نکردند؟ وی، که ظاهراً به خوبی از این اشکال آگاه است، در پی پاسخ برمی‌آید، اما به نظر می‌رسد از حیث کفایت در اثبات مدعا موفق عمل نمی‌کند. قفاری می‌گوید تشیع در کوفه ظهور کرد و به همین دلیل، در روایات شیعه آمده است که دعوت شیعه، جز در کوفه، در هیچ یک از سرزمین‌های مسلمانان پذیرفته نشد. سپس شیعه‌گری در دیگر شهرها منتشر شد (قفاری، ۱۴۱۵: ۶/۱). وی زمینه انتشار تشیع را از کوفه بیان می‌کند. همین برداشت سبب شده است پیدایش تشیع را در کوفه بداند. قفاری به روایت ذیل استناد کرده است: «حضرت ابی‌عبدالله (ع) فرمودند خداوند متعال ولایت ما اهل بیت را بر شهرها عرضه کرد. پس تنها اهل کوفه آن را پذیرفتند» (مجلسی، بی‌تا: ۲۵۹/۹۷). این استدلال وقتی کفایت می‌کند که مراد از عرضه ولایت اهل بیت (ع) در قضیه اول و قضیه نتیجه، واحد باشد. در حالی که در قضیه اول مراد روایت از ولایت اهل بیت (ع) پذیرش آن از طرف اهل کوفه است، اما مراد استدلال‌کننده از ولایت اهل بیت (ع) در نتیجه استدلال پیدایش آن در کوفه است. لذا دلیل ربطی به مدعا ندارد.

### بررسی محتوایی و سندی روایت

#### بررسی محتوایی روایت

روایتی که قفاری به آن استناد کرده است با سه سلسله سند در کتب حدیثی تشیع یافت می‌شود که علاوه بر نپذیرفتن سرزمین‌ها سخن از نپذیرفتن آسمان‌ها و ستارگان به میان آمده است (همان: ۲۵۹/۹۷ و ۲۶۲؛ همان: ۴۶/۹۸). لازم است قبل از بررسی سندی روایات، تحلیلی محتوایی از آن داشته باشیم تا مسیر برای بحث و گفت‌وگو فراهم شود.

در روایتی که قفاری مدعایش را به آن مستند کرده، پذیرش ولایت اهل بیت (ع) به اهل کوفه محدود شده است (همان: ۲۵۹/۹۷). اما در دو روایت دیگر با بیان عبارت «فلم یقبلها قبول اهل الکوفة؛ مردم هیچ شهری مانند کوفه آن را نپذیرفتند» (همان: ۲۶۲/۹۷؛ همان: ۴۶/۹۸) از شدت محدود کردن پذیرش ولایت اهل بیت در مدار کوفیان کاسته شده، و کوفه را از دایره یگانگی پذیرش ولایت اهل بیت (ع) نسبت به دیگر سرزمین‌ها خارج کرده و صرفاً آن را در صدر پذیرش ولایت قرار داده است. از این جهت منکر پذیرش ولایت اهل بیت (ع) در دیگر سرزمین‌ها، هرچند با شدت کمتر، نشده است. چنان‌که یکی از محققان اهل سنت از حجاز به عنوان اولین سرزمینی نام می‌برد که تشیع را پذیرفت، هرچند میزان توجه به آن را کم می‌داند (کردعلی، ۱۳۴۷: ۲۵۲/۶).

از سوی دیگر، روایاتی در مدح سرزمین‌های اسلامی وارد شده که روایت محل استناد قفاری را نقض می‌کند، از جمله روایتی از پیشی گرفتن آسمان‌ها، ستارگان و سرزمین‌های مکه و مدینه از کوفه در پذیرش ولایت اهل بیت (ع) که از پیامبر (ص) نقل می‌شود (مجلسی، بی‌تا: ۲۸۱/۲۷ و ۲۶۲). این حدیث علاوه بر سبقت سرزمین‌های دیگر بر کوفه سخن از پذیرش ولایت اهل بیت (ع) از طرف آسمان‌ها و ستارگان کرده که در احادیث نقل شده برای پذیرش اهل کوفه آن را نقض کرده است.

### بررسی سندی روایات

در سلسله سند روایتی که قفاری آن را مؤید مدعایش قرار داده، نام مفضل بن صالح، أبو جمیلة النّحاس الأسدی به عنوان راوی دیده می‌شود. نجاشی او را تضعیف می‌کند، بلکه تضعیف او را نزد همه اصحاب پذیرفته می‌داند. نیز ابن غضائری او را کذاب و واضع حدیث می‌داند و خوبی او را موثق نمی‌داند (خوئی، ۱۳۷۲: ۳۱۱/۱۹). اما در سلسله سند روایت دوم نام ابوالنمیر مولی الحارث بن المغیره النصری دیده می‌شود (مجلسی، بی‌تا: ۴۶/۹۸). خوبی طریق شیخ صدوق به او را ضعیف می‌داند (همان: ۷۳/۲۳). در سلسله سند روایت سوم نیز نام محمد بن سنان ابوجعفر زاہری به عنوان راوی دیده می‌شود (همان:

زمان و خاستگاه پیدایش تشیع: بررسی و نقد مدعی قفاری / ۲۳۹

۲۶۲/۹۷) که اصحاب رجال او را فردی غالی یا متمایل به غلو دانسته‌اند (ابن‌غضائری، ۱۳۸۰: ۹۲؛ کشی، ۱۳۴۸: ۵۰۷؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۸). در نتیجه روایتی که قفاری برای اثبات مدعایش به آن استناد کرده، از جهت محتوا و سند قابلیت اثبات مدعایش را ندارد.

نکته دیگر اینکه، کارآیی و اثربخشی ادله قفاری در باب مدعایش منوط به این است که وی بر فقدان نشانه‌های تشیع در مدینه نخستین و شهرهای دیگر پیش‌تر یا هم‌زمان با کوفه وقوف یابد و آن را از حیث تاریخی به اثبات برساند. وجود تشیع در مدینه را می‌توان در چارچوب انتساب افراد به شیعه علی (ع) در زمان پیامبر (ص)، مواجهه اصحاب با ماجرای سقیفه، احتجاجات آنان با خلفا و سخنانشان اعتبارسنجی کرد.

انتساب عنوان «شیعه» به دوستان اهل بیت همراه با همان روزی که پیامبر اکرم (ص) در مدینه بودند دارای سابقه است. چنان‌که سیوطی در تفسیر آیه «أُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» از پیامبر (ص) نقل می‌کند، آنها علی (ع) و شیعیانش هستند (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۱۰۶/۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۷۹/۶). ابوحاتم رازی نیز می‌گوید: «اولین لقب و کلمه‌ای که در عهد رسول خدا (ص) ظهور کرد کلمه «شیعه» بود. این کلمه، لقب چهار نفر از صحابه بود که عبارت‌اند از: ابوذر، سلمان، مقداد و عمّار» (ابوحاتم رازی، ۱۹۵۷: ۳۵/۳). اینها شاهدهی از وجود تشیع در مدینه نخستین است.

از سوی دیگر، سقیفه بنی‌ساعده را باید مهم‌ترین رخداد در تاریخ اسلام قلمداد کرد، زیرا به گواهی منابع تاریخی، اولین نمود اختلاف میان مسلمانان در این حادثه ریشه دارد. هرچند قفاری در مقام توصیف مدعایش که آن را بر پایه اختلاف‌نداشتن مسلمانان تا قتل عثمان استوار کرده، اشاره‌ای به این حادثه مهم ندارد (قفاری، ۱۴۱۵: ۵/۱)، از آن‌رو که ترازوی سنجش توصیف، صادق و کاذب بودن آن است (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ۱۸۵) مشاهده‌ی درستی توصیف قفاری در آینه اختلافات مسلمانان قبل از ماجرای قتل عثمان بر صادق و کاذب‌بودنش گواهی می‌دهد.

جوهری می‌گوید جمعی از مهاجرین و انصار از بیعت ابوبکر سرپیچی کردند و به علی بن ابی‌طالب (ع) متمایل شدند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۴: ۴۵/۲). این نشان می‌دهد علاوه بر

اختلاف مسلمانان در نخستین روزهای وفات پیامبر اکرم (ص)، روزنه‌هایی از تشیع، هرچند آن را سیاسی بنامیم، در مدینه دیده می‌شود. جنبه اعتقادی تشیع را در احتجاج عباس بن عبدالمطلب با ابوبکر می‌توان یافت، که خلیفه رسول خدا بودن را با انتخاب خلیفه از طرف مردم تناقضی آشکار می‌داند (همان: ۲۲۰/۱).

عبدالله بن عباس نیز در پاسخ به عمر بن خطاب، که بیعت نکردن مردم با علی (ع) را در فقدان خواست آنان در جمع نبوت و خلافت در یک خاندان می‌داند، به آیه‌ای از قرآن استدلال می‌کند که آنها دستورهای خدا و پیامبرش را انجام ندادند (همان: ۵۳/۱۲). بریده اسلمی نیز با همین روش استدلالی در پاسخ به عمر جمع نبوت و خلافت را در یک خاندان امری برگرفته از آیات قرآن می‌داند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۵۳/۲). این موضع‌گیری‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد تفکرات شیعه در مدینه حضور پررنگی داشته، و مواجهه با ماجرای سقیفه مواجهه‌ای اعتقادی بوده است.

بیعت نکردن گروهی از مردم با ابوبکر را می‌توان به مثابه طریقی برای نزدیک شدن به مسئله، یعنی تشیع نخستین در مدینه و رهیافتی برای شکار علت بیعت نکردن، به کار برد. لذا واکاوی امتناع‌کنندگان از بیعت و چرایی آن تحلیلی منطقی از میزان اثر تشیع در حوادث صدر اسلام در مدینه به ما می‌دهد.

تحصن بنی‌هاشم و افراد برجسته‌ای از جمله خالد بن سعید بن عاص، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، عمار، براء بن عازب، ابی بن کعب، عتبه بن کعب و زبیر بن عوام در خانه علی (ع) به عنوان اعتراض به ماجرای سقیفه الگوی معینی از ایجاد نوعی مرزبندی در مواجهه با جانشینی پیامبر اکرم (ص) است. از سوی دیگر، بیان دلیل‌هایی برای محق بودن علی (ع) برای جانشینی، از جمله اولین ایمان‌آورنده به اسلام، نزدیک‌ترین شخص به پیامبر (ص) در این تحصن نشان از وجود فهم شیعی به عنوان اعتقادی مرزبندی شده در آن دوران دارد (ابن‌وردی، ۱۴۱۷: ۱۳۴/۱).

عده‌ای از صحابه بزرگ پیامبر (ص)، که به شیعه علی (ع) معروف بودند، مانند مقداد، سلمان، ابوذر، عمار بن یاسر، عباد بن صامت، حذیفه بن یمان، هیثم بن تیهان و براء بن

زمان و خاستگاه پیدایش تشیع: بررسی و نقد مدعی قفاری / ۲۴۱

عازب شبانه درباره برگرداندن خلافت مشورت می‌کردند (آبی، ۱۴۲۴: ۲۷۷/۱). این سلسله حوادث نشان‌دهنده جاری بودن موضعی اعتقادی در برابر موضع رسمی سقیفه بوده است، چنان‌که برخی از محققان اهل سنت برخلاف قفاری از اینها به آسانی عبور نکرده‌اند.

یکی از محققان اهل سنت، برای ترسیم شاخص تعیین حدود ظهور تشیع، وجود نوعی فهم مخالف و هم‌زمان با ماجرای سقیفه را در قالب حزب علی (ع) و اعتقادشان به خلافت بلافصل علی (ع) بعد از وفات پیامبر بیان می‌کند و ضمن رد ظهور تشیع بعد از ماجرای خوارج، حدود پیدایی آن را بعد از وفات پیامبر و قاعدتاً در مدینه می‌داند (عبدالله عنان، ۱۹۲۶: ۲۶).

نکته دیگری که می‌تواند در مقام نقد نظریه قفاری درباره انتشار تشیع نخستین از کوفه به دیگر مناطق اسلامی راه‌گشا باشد، محوریت خاندان امام علی (ع) در تشیع نخستین است که مدینه را خاستگاه اصلی و منشأ تولید و انتشار اعتقادات شیعی نمایان خواهد کرد. در حقیقت، آنچه باید در آن مذاقه کرد محوریت مدینه در تولید مباحث اعتقادی شیعه و در نهایت انتشار آن در دیگر بلاد به دست منسوبان به شیعه است. بررسی این موضوع از دو جنبه می‌تواند مهم باشد؛ نخست، می‌توان مرجعیت اهل بیت (ع) را در مواضع پیروانشان جست‌وجو کرد؛ دوم اینکه، از این طریق گسترش تشیع را در دیگر بلاد اسلامی، از جمله کوفه، کاوید و انتساب ظهور تشیع به دیگر سرزمین‌های اسلامی به غیر از مدینه به عنوان مولود شیعه را در معرض پرسش قرار داد.

برای روشن شدن مسیر بحث باید انعکاس محورهای اعتقادی شیعیان نخستین را که در سخنان حضرت علی (ع) مشهود است، از طریق بررسی شخصیت‌های منسوب به ایشان در سایه مجادله و تحلیل صحابه و استنادشان به خاندان نبوت در سیر حوادث تاریخی جست‌وجو کرد.

ابوذر غفاری از شخصیت‌های برجسته و از حلقه‌های نخستین شیعیان امام علی (ع) است. در باب شهرت علم و دانش دینی وی در *الاصابه* آمده است که سطح علمی ابوذر مساوی با ابن مسعود بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۰۹/۷). ابوذر همواره در مقابل

سیاست‌های عثمان اظهار می‌کرد که او سنت رسول خدا (ص) را رها کرده است (کوفی، ۱۳۷۲: ۲۵۱). مقابله ابوذر با عثمان هر چند به‌ظاهر مسئله‌ای سیاسی است، اما دلیل و استدلال ابوذر بحثی اعتقادی است، زیرا وی عثمان را مخالف سنت پیامبر (ص) می‌دانست. این نشان‌دهنده آن است که ابوذر غفاری همواره حرکت و مواجهه‌ای اعتقادی داشته است.

مواضع ابوذر غفاری در بستر حوادث تاریخی نشان‌دهنده انعکاس مواضع حضرت علی (ع) از طریق او است. چنان‌که به بیست‌وهشت طریق حدیث سفینه، که دارای مضامین عمیق اعتقادی شیعه است، از او روایت شده است (رضایی، ۱۳۹۱). انتشار این حدیث اعتقادی و سخنانی در حمایت از آن حضرت در سرزمین‌های اسلامی، از جمله مکه، از زبان ابوذر غفاری گزارش شده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳۷۳/۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۶۴/۲).

این گزارش‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد افرادی از قبیل ابوذر در نقش انتشاردهنده معارف شیعه عمل می‌کردند و مدینه و اهل بیت (ع) منبع تولید این معارف بوده و از این‌رو از هر مناسبتی که در هر یک از بلاد اسلامی به دست می‌آوردند، برای نقل معارف اهل بیت (ع) استفاده می‌کردند.

بررسی انگاره مخالفان ابوذر غفاری، از جمله نامه معاویه به عثمان مبنی بر اینکه ماندن ابوذر در ولایت شام به مصلحت نیست، از سویی تذکر معاویه بر وجود زمینه پذیرش افکار ابوذر در میان مردم شام (کوفی، ۱۳۷۲: ۲۵۱؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۴۰/۲) بیانگر آن است که ابوذر به انتشار عقایدی دست می‌زند که در مسیر خلافت جایی ندارد. آنچنان که در برخی اخبار تأکید شده است، وی در قامت متکلم، احادیث حضرت علی (ع) را در شام نشر می‌داده و این دلیل درخواست معاویه برای تبعید ابوذر از شام به مکان دیگری بوده است (مسعودی و دیگران، ۱۳۹۹). لذا می‌توان گفت از سرزمین‌های اسلامی که ابوذر غفاری در نقش مبلغ و انتشاردهنده معارف شیعی ظاهر شده، شام بوده است، چنان‌که برخی از اندیشمندان رواج تشیع در جبل عامل را به اهتمام ابوذر غفاری می‌دانند (امین، ۱۴۰۳: ۲۵/۱؛ کردعلی، ۱۳۴۷: ۲۵۶/۶).

زمان و خاستگاه پیدایش تشیع: بررسی و نقد مدعای قفاری / ۲۴۳

حذیفه بن یمان یکی دیگر از شیعیان بنام حضرت علی (ع) بود که با بیان دیدگاه‌هایش نقش مهمی در گسترش شیعه از منبع وحی، یعنی مدینه، به دیگر بلاد اسلامی داشت. یعقوبی در باب مرجعیت علمی حذیفه، وی را در زمینه قرائت قرآن و فقه اسلامی خبره می‌داند، چنان‌که حذیفه را یکی از دو نفر پیشنهادکننده جمع‌آوری قرآن به عثمان می‌داند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۶۴/۲). مواضع حذیفه در بستر حوادث تاریخی نشان از دیدگاه اعتقادی او دارد. در جریان سقیفه از بیعت با ابوبکر امتناع کرد (همان: ۵۲۴/۱) و با استدلال‌های اعتقادی بر محق‌بودن امام علی (ع) اصرار داشت. آنچه‌ان که وی راوی حدیث امامان دوازده‌گانه (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۳۷) و روایاتی در باب منزلت امام علی (ع) و اهل بیت (ع) است (اربلی، ۱۹۸۵: ۲۱۹/۲).

حذیفه بن یمان به عنوان والی مدائن نقش مهمی در انتشار معارف شیعی در مدائن داشت. آنچه‌ان که وی بارها حدیث غدیر را در مدائن بیان کرد و از این طریق عقیده جانشینی بلافصل علی (ع) را بعد از پیامبر (ص) در مدائن رواج داد (امینی، ۱۴۱۶: ۲۲۱/۲). فرزندان وی به سفارش پدر از محبان و شیعیان امام علی (ع) بودند و نقش مهمی در گسترش تشیع در آن بلاد داشتند (ابن‌کثیر، ۱۳۹۸: ۲۴۷/۸؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۸۳/۲)، آنچه‌ان که یکی از فرزندان او رهبری شیعیان مدائن را در قیام مختار ثقفی بر عهده داشت (طبری، ۱۳۷۵: ۵۵۸/۵).

نکته در خور تأمل نشر معارف شیعه در کوفه از طریق حذیفه بن یمان است. وی چنان عقاید شیعی را نشر می‌داد که در معرض پرسش قرار می‌گرفت. ملاقات ربیعہ سعدی با حذیفه، به چند نکته اشاره دارد؛ ذکر مناقب علی (ع)، وجود مخالفانی با این منقبت‌خوانی در بصره و استدلال‌های اعتقادی حذیفه در برتری دادن علی (ع) بر دیگر اصحاب (مفید، ۱۳۷۶: ۹۳/۱). این ملاقات به‌خوبی نشان می‌دهد که مواجهه حذیفه اعتقادی است. از سوی دیگر، نقش او در نشر معارف اهل بیت (ع) را به‌خوبی آشکار می‌کند، زیرا وی معرفت خود را از مدینه و محضر علی (ع) دریافت، و در کوفه بیان می‌کرد. در حقیقت، با توجه به استدلال‌های وی به احادیث نبوی نمی‌توان پیدایی این اعتقادات را در کوفه جست‌وجو

کرد. وجه دیگر روایت که خود را نمایان می‌کند حضور فعال اعتقادات شیعه در بصره است، زیرا مجادله برخی بصریان نشان از انتشار تشیع و مواجهه مخالفان در آنجا دارد. عمار بن یاسر یکی دیگر از ارکان شیعیان نخستین است، که در بیان فضایل حضرت علی (ع) بسیار کوشا بود. ابن سعد عمار را از علمای کوفه می‌داند (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۱۴/۶). عمار از چنان جایگاهی در میان اهل سنت برخوردار است که تمامی صاحبان صحاح سته از او روایت نقل کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵۲/۲). وی در ماجرای سقیفه لزوم جانشینی علی (ع) بعد از پیامبر را به ابوبکر متذکر می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۴۶۴/۲) و در جنگ صفین نیز در انتساب الاهی علی (ع) به حدیث غدیر استناد می‌کند (منقری، ۱۴۱۰: ۳۳۸). همچنین، در دوران خلیفه دوم، عمار با استناد به روایات پیامبر (ص) بر برتری حضرت علی (ع) نسبت به عمر بن خطاب استدلال می‌کرد (مغربی، ۱۴۱۱: ۱۹۶/۱).

همه گزارش‌ها نشان‌دهنده دریافت مستقیم معارف از منبع سنت نبوی است که در مدینه دریافت شده و امکان انتشارش در زمان زمامداری عمار بن یاسر بر کوفه را ممکن می‌کرد (منتظرالقائم، ۱۳۹۴). از سویی گزارش شده است که جندب بن عبدالله ازدی، حضرت علی (ع) را در مدینه ملاقات می‌کرد و شروع به نشر فضایل او در کوفه کرد که به دستور ولید دستگیر و زندانی شد (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۴: ۵۶/۹-۵۸). این گزارش به درستی کوفه را محل نشر معارف شیعی نشان می‌دهد و به نوعی پیدایی شیعه را در کوفه در معرض پرسش جدی قرار می‌دهد.

در نهایت، می‌توان استدلال کرد که تشیع نخستین به دست اصحاب نزدیک به حضرت علی (ع) در بلاد اسلامی انتشار یافته و صحبت از پیدایش آن در سرزمین‌های دیگر غیر از مدینه دور از واقعیت است. البته می‌توان کوفه را یکی از مهم‌ترین بلاد اسلامی دانست که قدرت گسترش تشیع در آن با سرعت بیشتری پیش رفته، اما از آن پیدایش تشیع در کوفه برداشت نمی‌شود. از سویی، در بلاد دیگر، به غیر از مدائن، شام، و بصره که صحبت از آن رفت، تشیع هم‌زمان یا پیش‌تر از کوفه در حجاز (کردعلی، ۱۳۴۷: ۲۵۲/۶) و در مصر به همت محمد بن ابی بکر انتشار یافته است (ابن زولاق، ۱۹۹۹: ۴۳).



### نقد مبانی

در مقام بررسی موجه بودن هر گزاره‌ای، مبانی و مقدمات آن گزاره نیز باید نقد شود (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۲: ۲۱۲). مبانی فکری قفاری حاکی از آن است که اسلام به عنوان دینی و حیانی و راستین به شکل درست و صحیح خود در قالب اکثریت استمرار یافته و همه گرایش‌های دیگر، هر کدام جریانی جداشده از آنند (قفاری، ۱۴۱۵: ۵/۱). این پیش‌فرض با پرسش یادشده همراه است که تشیع فرقه‌ای همزاد اسلام نیست. آنگاه باید جست‌وجو کرد که در چه زمانی این بدعت و جدایی رخ داده است.

اگر بخواهیم در صدد نقد مبانی قفاری برآییم باید بگوییم این پیش‌فرض مزاحم تحقیق صحیح است. زیرا از ابتدا تکلیف روشن است. صورت درست پرسش آن است که: تمایز تشیع و تسنن در کدام برهه از تاریخ صدر اسلام آشکار شده است؟ در این صورت اگر زمان پیدایش تاریخی تشیع پرسیده شود، به همان نسبت سخن از تاریخ ظهور اهل سنت هم بحث‌پذیر خواهد بود. به این ترتیب، پیش‌فرض «تشیع و تسنن همزاد اسلام نبودند و پس از آن ظهور کردند» مطرح نخواهد شد. بلکه دست‌کم این است که این دو مذهب دو گونه فهم و تفسیر از متن مقدس اسلام بوده‌اند که از آغاز پیدایش اسلام تولد یافته و در بستر زمان تحقق تاریخی پیدا کرده‌اند (جاودان و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۱).

این پرسش را نیز می‌توان مطرح کرد که: کدام یک از برداشت‌ها و تفسیرها درست‌تر است؟ حتی اگر بر همزادی این دو جریان با اسلام تأکید شود باز جای این پرسش باقی است که: تفسیر و فهم کدام جریان به تفسیر خود پیامبر به اسلام نزدیک‌تر است؟ چنانچه پیدا است، طرح مسئله بدین صورت با هیچ پیش‌فرض نادرستی همراه نخواهد بود و باب بحث همچنان باز خواهد ماند.

### نتیجه

مدعای قفاری در باب کوفه به عنوان خاستگاه ظهور و پیدایش تشیع پذیرفتنی نیست. نقد مستدل آرای قفاری ذیل قواعد راهبردی در مقام استدلال‌آوری نشان می‌دهد گزاره‌های

وی برای اثبات مدعایش، ناسازگاری درونی و خودسستیزی دارد. زیرا قفاری نبود علمای اهل سنت را عامل بدعت می‌داند، اما در جایی از کتابش سعد بن ابی وقاص را، که نقش مهمی در کوفه داشت، ذیل علمای اهل سنت بیان می‌کند. وی ظهور تشیع را در بستر تأثیرپذیری تازه‌مسلمانان و غیرعرب ترسیم می‌کند و در دیگر سو نومسلمانی را هدایتگر آنان می‌داند. قفاری معتقد است ابن سبأ جانشینان بسیار داشت، اما آثاری از وی ذکر نکرده است. ادله پذیرفته‌نشده تشیع در مناطق دیگر به جز کوفه و دوری جغرافیایی از مدینه در باب پیدایش و ظهور تشیع در کوفه از کفایت ادله برخوردار نیست. زیرا علل پیدایش بدعت‌ها در دین را که دامنه‌ای وسیع دارد نمی‌توان با دلیل دوری جغرافیایی از مدینه اثبات کرد. چون دلیل، اخص از مدعا است و صرفاً تسهیل در ظهور جریان را توجیه می‌کند. از سویی برخی از مذاهب اهل سنت نیز دور از جغرافیای مدینه شکل گرفته‌اند. استناد قفاری به روایت پذیرفته‌نشده تشیع در نقاط دیگر به جز کوفه برای اثبات مدعایش از دو جهت پذیرفتنی نیست. نخست، این استدلال وقتی کفایت می‌کند که مراد از عرضه ولایت اهل بیت (ع) در قضیه اول و قضیه نتیجه، امری واحد باشد. در حالی که در قضیه اول مراد روایت از ولایت اهل بیت (ع) پذیرش آن نزد اهل کوفه است، اما مراد استدلال‌کننده از ولایت اهل بیت (ع) در نتیجه استدلال پیدایش آن در کوفه است. دیگر اینکه، در سلسله سند این روایت افرادی وجود دارند که ثقه نیستند. همچنین، وی فقدان نشانه‌های تشیع در مدینه نخستین و شهرهای دیگر، پیش‌تر یا هم‌زمان با کوفه، را از حیث تاریخی اثبات نکرده است. نکته دیگر، محوریت خاندان امام علی (ع) در تشیع نخستین و انتشار آن از طریق افراد منسوب به آنان به دیگر بلاد اسلامی است که قفاری از آن غفلت کرده است. در نهایت، اگر بخواهیم در صدد نقد مبانی قفاری برآییم باید گفت پیش‌فرض وی که تشیع جریانی جداشده از جماعت و تنه اصلی است، مزاحم تحقیق صحیح است. زیرا از ابتدا تکلیف روشن است.

## منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۹۶۴). شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، الطبعة الثانية، ج ۱-۲۰.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). النهاية فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: منشور جامعة المدرسین، ج ۱-۲.
- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۳۴۹). مناقب الإمام أحمد بن حنبل، قاهره: مكتبة الخانجي.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۶). لسان المیزان، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۱-۷.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵). الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: علی محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، الطبعة الاولى، ج ۸.
- ابن زولاق (۱۹۹۹). فضائل مصر و اخبارها و خواصها لابن زولاق، تحقیق: علی محمد عمر، قاهره: مكتبة الأسرة.
- ابن سعد، محمد (۱۴۰۵). الطبقات الكبرى، بیروت: دار بیروت، ج ۱-۹.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶). مناقب آل أبي طالب (ع)، نجف الاشرف: المكتبة الحيدرية.
- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰). الرجال، تصحیح: محمدرضا حسینی جلالی، قم: مؤسسة دار الحدیث، الطبعة الاولى.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۹۸). البداية والنهاية، تحقیق: خلیل شحاده، بیروت: دار الفكر، ج ۱-۱۵.
- ابن وردی، عمر بن مظفر (زین الدین) (۱۴۱۷). تاریخ ابن الوردی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- ابو حاتم رازی، احمد بن حمدان (۱۹۵۷). الزينة فی الكلمات الإسلامية العربیة، تحقیق: عبد الله سلوم السامرائی، قاهره: دار الكتاب العربی.
- ابو زهره، محمد (۱۳۸۴). تاریخ مذاهب اسلامی، ترجمه: علی رضا ایمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ابو زهره، محمد (۱۴۱۸). ابن حنبل: حياته و عصره، آراء و فقهه، قاهره: دار الفكر العربی.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۹۸۵). كشف الغمة فی معرفة الائمة، بیروت: دار الفكر.
- امین، محسن (۱۴۰۳). أعيان الشيعة، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶). *الغدیر*، تهران: بنیاد بعثت.
- آبی، ابو سعید منصور بن حسین (۱۴۲۴). *نثر الدر فی المحاضرات*، تحقیق: خالد عبد الغنی محفوظ، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). *جمل من أنساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.
- بیهقی، ابوبکر أحمد (۱۳۹۱). *مناقب الشافعی*، تحقیق: السید أحمد صقر، قاهره: مكتبة دار التراث.
- جاودان، محمد؛ و دیگران (۱۳۸۷). *آشنایی با فرق تشیع، ویراسته: مهدی فرمانیان*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۱). *خوارج در تاریخ*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله (۱۴۱۱). *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبد القادر، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- حجوی ثعالبی، محمد بن حسن (۱۳۴۵). *الفکر السامی فی تاریخ الفقه الإسلامی*، الرباط: مطبعة إدارة المعارف، ج ۱-۴.
- خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱). *کفاية الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر*، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم: بیدار.
- خندان، علی اصغر (۱۳۸۲). *منطق کاربردی*، تهران- قم: سمت و مؤسسه فرهنگی طه، چاپ دوم.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، قم: مرکز نشر الثقافة الإسلامیة فی العالم، ج ۱-۲۰.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳). *الکاشف فی معرفة من له رواية فی الکتب الستة*، حاشیه: ابراهیم بن محمد سبط بن عجمی، تحقیق: احمد محمد نمر خطیب، جده: دار القبلة للثقافة الإسلامية.
- رضایی، غلامرضا (۱۳۹۱). «پژوهشی در حدیث سفینه»، در: *کلام اسلامی*، س ۲۱، ش ۸۴، ص ۹۵-۱۲۸.
- سلیمان عبدالله الأشقر، عمر (۱۴۱۶). *المداخل الی دراسة المدارس والمذاهب الفقهیة*، عمان: دار النفايس، الطبعة الاولى.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). *الدر المشور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- صمیری الحنفی، الحسین بن علی بن محمد (۱۴۰۵). *أخبار أبی حنیفة و أصحابه*، بیروت: عالم الکتب، الطبعة الثانية، ج ۱-۶.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ الرسل والملوک*، تهران: اساطیر، چاپ پنجم.

زمان و خاستگاه پیدایش تشیع: بررسی و نقد مدعیان قفاری / ۲۴۹

- عبدالله عنان، محمد (۱۹۲۶). *تاریخ الجمعيات السرية والحركات الهدامة*، مصر: ادارة الهلال بمصر.
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۹۱). *عبدالله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخی*، ترجمه: سید احمد فهری زنجانی و عظامحمد سردارنیا، قم: علامه عسکری، چاپ اول.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۲). *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: مؤسسه فرهنگی قدس، چاپ هشتم.
- قفاری، ناصر بن عبدالله (۱۴۱۵). *اصول مذهب الشیعة الامامية الاثنی عشریة: عرض و نقد*، ریاض: جامعة الامام محمد بن سعود لاسلامیة، ج ۱-۳.
- کرد علی، محمد (۱۳۴۷). *خطط الشام*، دمشق: مطبعة المفید.
- کردری، محمد بن محمد بن شهاب (بی‌تا). *مناقب الامام الأعظم أبی حنیفة*، حیدرآباد: دکن.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). *رجال الکشی*، تصحیح: حسن المصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.
- کوفی، ابن اعثم (۱۳۷۲). *الفتوح*، ترجمه: محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق: غلامرضا طباطبایی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- لوکیع، محمد بن خلف بن حیان (۱۳۶۶). *أخبار القضاة*، تحقیق: عبد العزیز مصطفی المرأغی، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، الطبعة الاولى، ج ۱-۳.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*، تصحیح: محمدباقر محمودی و الآخرون، تحقیق: عبد الزهراء علوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسعود، مهدی؛ و دیگران (۱۳۹۹). «تحلیل و بررسی اندیشه و باورهای دینی ابوذر غفاری»، در: *پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی*، س ۷، ش ۱۴، ص ۱۱۴-۱۳۵.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق: یوسف اسعد داغر، قم: مؤسسه دار الهجرة، ج ۱-۴.
- مغربی تمیمی، نعمان بن محمد (۱۴۱۱). *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار*، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۱-۳.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۶). *الارشاد*، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، تصحیح: محمدباقر بهبودی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة، ج ۱-۲.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۴). «نقش عمار بن یاسر در دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی صدر اسلام»، در: *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، س ۹، ش ۱۷، ص ۱۸۳-۲۰۲.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۱۰). *وقعة صفین*، تصحیح: عبد السلام محمد هارون، ترجمه: پرویز اتابکی، بیروت: دار الجبل.

۲۵۰ / شیعه پژوهی، سال هشتم، شماره بیست و دوم

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *الرجال تصحیح*: سید مرتضی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم.  
یعقوبی، ابن واضح (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم.

## References

- Abdollah Enan, Mohammad. 1926. *Tarikh al-Jamiyat al-Sariyah wa al-Harakat al-Haddamah (History of Secret Societies and Subversive Movements)*, Egypt: Crescent Administration in Egypt. [in Arabic]
- Abi, Abu Sad Mansur ibn Hosayn. 2004. *Nathr al-Dorr fi al-Mohazarat*, Researched by Khaled Abd al-Ghani Mahfuz, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Abu Hatam Razi, Ahmad ibn Hamdan. 1957. *Al-Zinah fi al-Kalamat al-Islamiyah al-Arabiyah (Decorations in Arabic Islamic Words)*, Researched by Abdollah Salum al-Samerai, Cairo: Arabic Book House. [in Arabic]
- Abu Zahrah, Mohammad. 1998. *Ibn Hanbal: Hayatoh wa Asroh, Ara wa Feghhoh (Ibn Hanbal: His Life, Time, Opinions and Jurisprudence)*, Cairo: Arab Thought House. [in Arabic]
- Abu Zahrah, Mohammad. 2005. *Tarikh Mazaheb Islami (History of Islamic Denominations)*, Translated by Ali Reza Imani, Qom: Religions and Denominations Studies and Research Center. [in Farsi]
- Amin, Mohsen. 1983. *Ayan al-Shiah (The Shiite Luminaries)*, Researched by Hasan Amin, Beirut: Al-Taarof House. [in Arabic]
- Amini, Abd al-Hosayn. 1996. *Al-Ghadir*, Tehran: Besat Foundation.
- Askari, Sayyed Mortaza. 2012. *Abdollah ibn Saba wa Digar Afsaneh-hay Tarikhi (Abdollah ibn Saba and Other Historical Legends)*, Translated by Sayyed Ahmad Fahri Zanjani & Ata Mohammad Sardarniya, Qom: Allameh Askari, First Edition. [in Farsi]
- Balazori, Ahmad ibn Yahya. 1997. *Jomal men Ansab al-Ashraf (Overview of Aristocratic Genealogy)*, Researched by Sohayl Zakkar & Riyaz Zarakli, Beirut: Thought Institute, First Edition. [in Arabic]
- Beyhaghi, Abu Bakr Ahmad. 1972. *Managheb al-Shafei (Shafei Virtues)*, Researched by Al-Sayyed Ahmad Saghar, Cairo: Heritage House. [in Arabic]
- Erbeli, Ali ibn Isa. 1985. *Kashf al-Ghommah fi Marefah al-Aemmah (AS)*, Beirut: Thought House. [in Arabic]
- Faramarz Gharamaleki, Ahad. 2017. *Raweshshenasi Motaleat Dini (Methodology of Religious Studies)*, Mashhad: Qods Cultural Institute, Eighth Edition.. [in Farsi]

- Ghaffari, Naser ibn Abdollah. 1995. *Osul Mazhab al-Shiah al-Imamiyyah al-Ethna Ashariyyah: Arz wa Naghd (Principles of Twelver Shiism: Presentation and Criticism)*, Riyadh: Islamic University of Imam Mohammad ibn Saud, vol. 1-3. [in Arabic]
- Hajawi Thaalebi, Mohammad ibn Hasan. 1927. *Al-Fekr al-Sami fi Tarikh al-Feghh al-Islami (The Lofty Thought in the History of Islamic Jurisprudence)*, Rabat: Knowledge Management Press, vol. 1-4. [in Arabic]
- Hakem Neyshaburi, Mohammad ibn Abdollah. 1991. *Al-Mostadrak ala al-Sahihayn*, Researched by Mostafa Abd al-Ghader Ata, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hebatollah. 1964. *Sharh Nahj al-Balaghah (Explanation of Nahj al-Balaghah)*, Researched by Mohammad Abolfazl Ibrahim, Cairo: House of Revival of Arabic Books, Second Edition, vol. 1-20. [in Arabic]
- Ibn Athir, Mobarak ibn Mohammad. 1988. *Al-Nehayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar (Dictionary of Strange Hadith Terms)*, Researched by Taher Ahmad Zawi, Mahmud Mohammad Tannahi, Qom: Ismailiyan Press Institute. [in Arabic]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1983. *Al-Khesal (Traits)*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Teachers Association Press, vol. 1-2. [in Arabic]
- Ibn Ghazaeri, Ahmad ibn Hosayn. 2001. *Al-Rejal*, Edited by Mohammad Reza Hoseyni Jalali, Qom: Institute of Hadith, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Ahmad ibn Ali. 1986. *Lesan al-Mizan*, Beirut: Al-Alami Institute for Publications, vol. 1-7. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Ahmad ibn Ali. 1995. *Al-Esabah fi Tamyiz al-Sahabah (Criterion in Distinguishing the Companions)*, Researched by Ali Mohammad Moawwaz & Adel Ahmad Abd al-Mawjud, Beirut: Scientific Books House, Mohammad Ali Beyzun Publication, First Edition, vol. 8. [in Arabic]
- Ibn Jawzi, Abd al-Rahman ibn Ali. 1931. *Managheb al-Imam Ahmad ibn Hanbal (Virtues of Imam Ahmad ibn Hanbal)*, Cairo: Al-Khanji Press.
- Ibn Kathir, Ismail ibn Omar. 1978. *Al-Bedayah wa al-Nehayah (The Beginning and the End)*, Researched by Khalil Shehadeh, Beirut: Knowledge House, vol. 1-15. [in Arabic]
- Ibn Sad, Mohammad. 1985. *Al-Tabaghat al-Kobra (Major Classes)*, Beirut: House of Beirut, vol. 1-9. [in Arabic]



- Ibn Shahr Ashub, Mohammad ibn Ali. 1957. *Managheb Al Abi Taleb (Virtues of Abi Taleb's Family)*, Najaf: Haydariyah Press. [in Arabic]
- Ibn Wardi, Omar ibn Mozaffar (Zayn al-Din). 1997. *Tarikh Ibn al-Wardi*, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Zulagh. 1999. *Fazael Mesr wa Akhbar-ha wa Khawas-ha le Ibn Zulagh (The Virtues of Egypt, Its News and Characteristics by Ibn Zulaq)*, Researched by Ali Mohammad Omar, Cairo: Al-Osrah Press. [in Arabic]
- Jafari, Yaghub. 1992. *Khawarej dar Tarikh (Kharijites in History)*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office, First Edition. [in Farsi]
- Jawedan, Mohammad; et al. 2008. *Ashnayi ba Feragh Tashayyo (An Introduction to Shia Sects)*, Edited by Mahdi Farmaniyan, Qom: Seminary Management Center. [in Farsi]
- Kardari, Mohammad ibn Mohammad ibn Shahab. n.d *Managheb al-Imam al-Azam Abi Hanifah (The Virtues of the Greatest Imam Abu Hanifah)*, Hyderabad: Deccan. [in Arabic]
- Kashi, Mohammad ibn Omar. 1969. *Rejal al-Kashi*, Edited by Hasan Mostafawi, Mashhad: Mashhad University. [in Arabic]
- Khandan, Ali Asghar. 2003. *Mantegh Karbordi (Applied Logic)*, Tehran-Qom: Samt & Taha Cultural Institute, Second Edition. [in Farsi]
- Khazzaz Razi, Ali ibn Mohammad. 1981. *Kefayah al-Athar fi al-Nass ala al-Aemmah al-Ethna Ashar*, Researched by Abd al-Latif al-Hosayni Kuh Kamari, Qom: Bidar. [in Arabic]
- Khoyi, Sayyed Abu al-Ghasem. 1993. *Mojam Rejal al-Hadith wa Tafsil Tabaghat al-Rowat*, Qom: Publishing Center of Islamic Culture in the World, vol. 1-20. [in Arabic]
- Kord Ali, Mohammad. 1929. *Khotat al-Sham*, Damascus: Al-Mofid Press. [in Arabic]
- Kufi, Ibn Atham. 1993. *Al-Fotuh*, Translated by Mohammad ibn Ahmad Mostofi Herawi, Researched by Gholam Reza Tabatabayi, Tehran: Publications and Education of the Islamic Revolution. [in Farsi]
- Maghrebi Tamimi, Noman ibn Mohammad. 1991. *Sharh al-Akhbar fi Fazael al-Aemmah al-Athar (AS) (Explanation of the Narrations on the Virtues of the Pure Imams (AS))*, Qom: Qom Seminary Teachers Association, vol. 1-3. [in Arabic]

- Majlesi, Mohammad Bagher. n.d. *Behar al-Anwar al-Jameah le Dorar Akhbar al-Aemmah al-Athar (Vast Oceans of Light Containing the Selected Narrations of the Infallible Imams)*, Edited by Mohammad Bagher Mahmudi & et al., Researched by Abd al-Zahra Alawi, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Masud, Mahdi; et al. 2020. "Tahlil wa Barresi Andisheh wa Bawar-hay Dini Abuzar Ghaffari (Religious Thoughts and Beliefs of Abuzar Ghaffari: Analysis and Review)", in: *Islamic Denominations*, yr. 7, no. 14, pp. 114-135. [in Farsi]
- Masudi, Ali ibn Hosayn. 1989. *Moruj al-Zahab wa Maaden al-Jawhar (Meadows of Gold and Mines of Gems)*, Researched by Yusof Asad Dagher, Qom: Al-Hejrah Institute, vol. 1-4. [in Arabic]
- Menghari, Nasr ibn Mozahem. 1990. *Waghah Seffin (The Event of Seffin)*, Edited by Abd al-Salam Mohammad Harun, Translated by Parwiz Atabaki, Beirut: Mountain Institute. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1997. *Al-Ershad (Guidance)*, Translated by Mohammad Bagher Saedi Khorasani, Edited by Mohammad Bagher Behbudi, Tehran: Islamiyah Bookstore, vol. 1-2. [in Farsi]
- Montazer al-Ghaem, Asghar. 2015. "Naghsh Ammar ibn Yaser dar Degarguni-hay Ejtemai wa Farhangi Sadr Islam (The Role of Ammar ibn Yaser in the Social and Cultural Developments of Early Islam)", in: *Historical Studies of Iran and Islam*, yr. 9, no. 17, pp. 183-202. [in Farsi]
- Najashi, Ahmad ibn Ali. 1986. *Al-Rejal*, Edited by Seyyed Mortaza Shobeyri Zanjani, Qom: Islamic Publishing Foundation, Sixth Edition. [in Arabic]
- Rezayi, Gholam Reza. 2012. "Pajuheshi dar Hadith Safineh (A Research on the Safina Hadith)", in: *Islamic Theology*, yr. 21, no. 84, pp. 95-128. [in Farsi]
- Samiri al-Hanafi, Al-Hosayn ibn Ali ibn Mohammad. 1985. *Akhbar Abi Hanifah wa Ashaboh (Narration of Abu Hanifah and His Companions)*, Beirut: Bookworld, Second Edition, vol. 1-6. [in Arabic]
- Siyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. 1984. *Al-Dorr al-Manthur fi al-Tafsir be al-Mathur (The Narrative Pearl in the Interpretation by Narrations)*, Qom: Public Library of Ayatollah Marashi Najafi. [in Arabic]
- Solayman Abdollah al-Ashghar, Omar. 1996. *Al-Madkhal ela Derasah al-Madares wa al-Mazaheb al-Feghhiyah (Introduction to the Study of Jurisprudential Schools and Denominations)*, Oman: Al-Nafaes House, First Edition. [in Arabic]

زمان و خاستگاه پیدایش تشیع: بررسی و نقد مدعای قفاری / ۲۵۵

- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1996. *Tarikh al-Rosol wa al-Moluk (History of the Apostles and Kings)*, Tehran: Asatir, Fifth Edition. [in Arabic]
- Waki, Mohammad ibn Khalaf ibn Hayyan. 1947. *Akhbar al-Ghozat*, Researched by Abd al-Aziz Mostafa al-Maraghi, Egypt: The Great Trade Library, First Edition, vol. 1-3. [in Arabic]
- Yaghubi, Ibn Wazeh. 1992. *Tarikh Yaghubi*, Translated by Mohammad Ibrahim Ayati, Tehran: Scientific & Cultural, Sixth Edition. [in Farsi]
- Zahabi, Mohammad ibn Ahmad. 1993. *Al-Kashef fi Marefah Man lahu Rewayah fi al-Kotob al-Settah (Kashef in Recognizing Those Who Have Narrations in the Six Books)*, Annotated by Ibrahim ibn Mohammad Sabt ibn Ajami, Researched by Ahmad Mohammad Nemer Khatib, Jeddah: House of Qeblah for Islamic Culture. [in Arabic]